

انحصار چنددهه‌ای دفاتر اسناد رسمی به پشتوانه یک قانون کهنه

معیارهای پذیرش سردفتر در قانون ۴۴ سال پیش مشخص شده است

همان معیارهای ۴۴ سال پیش نیز اکنون درست اجرا نمی‌شود تا بر انحصار چند دهه‌ای سردفتران بیفزاید

در دوره‌و زمانه‌ما کمتر کسی است که گزارش به دفاتر ثبت اسناد نیفتاده باشد؛ از ثبت ضمانتنامه محضری برای وام دانشجویی گرفته تا ثبت و نقل و انتقال اسناد مربوط به خرید خانه و ماشین یک چورهایی همه افراد در هر سن و سال و هر جایگاه اجتماعی برای یک بار هم که شده سر و کارشان به دفاتر ثبت اسناد افتاده است. اما این دفاتر که اغلب در ساختمان‌های قدیمی و در گوشه و کنار شهرهای سر‌و‌صدا و آرام مشغول ثبت و تحریر اسناد ما هستند در زیر این ظاهر آرام داشته باشند از بر بنای این انحصار گرای‌ها و تخلفات هم به قانون دفاتر اسناد رسمی و ثبت اسناد بازمی‌گردد؛ قانونی ۴۴ساله که در بندهای مختلفش انحصاری تمام و کمال برای دفاتر ثبت اسناد ایجاد کرده و در مواردی این دفاتر را به شغلی موروثی تبدیل کرده است. هر چند مجوز دفاتر ثبت اسناد خرید و فروش هم می‌شود اما همین انحصار گرای‌بی موجب شده تا مجوز دفاتر ثبت اسناد به قیمت‌هایی تا ۳ میلیارد تومان به فروش برسد. اگر چه در این زمینه هم بنا عایت به بازار رقابتی تنگ و انحصاری موجود هستند، سرمایه‌دارانی که حاضرند پول بیشتر بدهند تا دفتر ثبت اسناد را به نام خود بزنند؛ حالا قرار است با ورود نهادهای ناظر و ریاست قوه قضائیه به مسئله انحصار در شغل سردفتری اسناد رسمی، شورای رقابت نیز در چهار صد و یکمین جلسه خود به شکایت شکایت جهت اعاده حق رسیدگی کنند.
دفاتر متعلق به سال ۱۳۵۴ که در ماه ۶۹ شغل سردفتری را موروثی کرده و در انحصار سردفترانی که از قدیم در این شغل فعالیت داشته‌اند در آورده است. طبق این ماده قانونی سردفتری می‌تواند دو ماه پیش از بازنشستگی شخص واجد صلاحیت طبق مقررات این قانون را برای تصدی دفتر خانه خود به سازمان ثبت اسناد و املاک کشور معرفی کند. علاوه بر این ورثه سردفتر متوفی که حین‌الوقت شاغل بوده است تا شش ماه از تاریخ فوت سردفتر می‌توانند مجتمعاً به ترتیب فوق شخص واجد صلاحیت را معرفی کنند. همین باند قانونی سردفتری را به شغلی موروثی و خانوادگی تبدیل کرده است. اما یک ماده دیگر این قانون راه را برای ورود افراد به این شغل به طور کامل بسته است. طبق ماده ۵ قانون اسناد رسمی و کانون سردفتران و دفتریاران، در شهرها برای حداقل هر ۱۵ هزار نفر حداکثر ۲۰ هزار نفر با توجه به آمار و درآمد حاصل از حق ثبت معاملات یک دفتر خانه مجوز تأسیس می‌گیرد؛ این مصوبه در حالی بعد از ۴۴ سال به فوت خود پی مانده که در سال ۵۴ کمتر کسی گذرش به دفتر ثبت اسناد می‌افتاد اما حالا کمتر کسی هست که گزارش به این دفاتر نیفتاده باشد اما این مصوبه انحصاری

جدی برای دفاتر ثبت اسناد ایجاد می‌کند.
■ **قانون ۴۴ساله‌ای که به روز نیست**
قانون دفاتر اسناد رسمی مصوبه ۱۳۵۴ مبنای تمام سازو کارهای اجرایی در دفاتر اسناد رسمی است. مطابق ماده ۱۵ این قانون مجوز تأسیس دفتر خانه در شهرها برای حداقل هر ۱۵ هزار نفر و حداکثر ۲۰ هزار نفر با توجه به آمار و درآمد حاصل از حق ثبت معاملات یک دفتر خانه، شهرها و بخش‌هایی که جمعیت آنها کمتر از ۱۵ هزار نفر باشد یک دفتر خانه خواهد داشت. این ماده قانونی اصلی‌ترین بندی است که توانسته انحصار گرای‌بی و یژهای را برای دفاتر ثبت اسناد ایجاد کند. برخی کارشناسان معتقدند این قانون زمانی اعتبار داشته که اموال مردم عادی صورت می‌گرفت، اما در سال‌های اخیر به دلیل آنکه اموال حالت سرمایه‌ای پیدا کرده و مردم نگران اموالشان هستند گرایش به سمت ثبت اسناد بسیار بیشتر شده است و به همین خاطر قانون قبلی و تعیین حد نصاب ۱۵ هزار نفر برای ارائه مجوز تأسیس دفتر ثبت اسناد چندانی را بر نمی‌فرشند، معیار یک دفتر خانه سال ۱۳۵۴ که از هر ۱۰۰۰ خانواده احتمالاً فقط یک نفر خودرو داشت و همان یک خودرو را هم بدون مراجعه به دفتر خانه می‌خرد و می‌فروخت، شاید معیار مذکور در قانون مناسب بود، اما حالا که غالباً خانواده‌های ایرانی دارای یک یا دو و بعضاً چند ماشین هستند و خودروی خودشان را هم در دفاتر اسناد رسمی می‌خرند و می‌فروشند، معیار یک دفتر خانه برای هر ۱۵هزار نفر جمعیت، چنان که در سال ۵۴ تصویب شده، اصلاً مناسب نیست. به همین میزان باید املاک و... و سایر اقدامات دفتر خانه‌ای را در سال ۱۳۵۴ که در ماه ۱۲۹۸ ذکر و مقایسه کرد، آن وقت راحت‌تر می‌توان فهمید که دفاتر اسناد رسمی طی چندین دهه چه انحصاری را برای خودشان رقم زده‌اند. یکی از سردفتران در این باره به «جوان» می‌گوید: «در حال حاضر عده‌ای از مسئولان هم نسبت به تغییر این ملاک بی‌میل نیستند. دو حالت هم برای اصلاح این قانون مطرح می‌شود؛ یکی اینکه مجوزها را بر مبنای درآمد دفتر خانه توزیع کنند و دوم اینکه حد نصاب جمعیت را کاهش داده و به ۱۰ هزار نفر برسانند.»

■ **۲۷۰ حکم انفصال در ۶ ماه!**
مخالفتان افزایش تعداد دفاتر خانه معتقدند دفتر خانه کسب و کار نیست و کار حاکمیتی است اما بنا به تأکید این کارشناس دفتر خانه‌ها اگر چه کارشان به نمایندگی از کار حاکمیت است اما فرایند و ماهیت کار برای جذب اسناد و جذب مشتری نشانه‌ای از یک کسب و کار است و دفتر خانه‌ها همچون سایر مشاغل آزاد برای مردم خدمت انجام می‌دهند و از آنها پول می‌گیرند. این سردفتر تأکید می‌کند: «اگر چه عنوان می‌شود دفتر خانه‌ها و آگذاری کار حاکمیتی به بخش خصوصی است که موفق هم بوده اما طبق آماري که مسئولان سازمان ثبت اسناد و محالفتان افزایش تعداد دفاتر خانه معتقدند دفتر خانه کسب و کار نیست و کار حاکمیتی است اما بنا به تأکید این کارشناس دفتر خانه‌ها اگر چه کارشان به نمایندگی از کار حاکمیت است اما فرایند و ماهیت کار برای جذب اسناد و جذب مشتری نشانه‌ای از یک کسب و کار است و دفتر خانه‌ها همچون سایر مشاغل آزاد برای مردم خدمت انجام می‌دهند و از آنها پول می‌گیرند. این سردفتر تأکید می‌کند: «اگر چه عنوان می‌شود دفتر خانه‌ها و آگذاری کار حاکمیتی به بخش خصوصی است که موفق هم بوده اما طبق آماري که مسئولان سازمان ثبت اسناد

ارائه می‌کنند تنها در سال ۹۶، به دلیل تخلفات صورت گرفته برای حدود ۶۰۰ نفر از سردفتران حکم انفصال صادر شده است که حدود ۱۰ درصد کل سردفتران می‌شود؛ در حالی که انفصال تنها یک از مجازات‌های تخلفاتی است که در دفتر خانه‌ها صورت می‌گیرد. این در حالی است که بسیاری از دفتر خانه‌ها هم سال‌هاست مورد بازرسی قرار نگرفته‌اند تا تخلفاتشان روشن شود.»

ذبیح‌الله خداییان رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور هم در نشست خبری اخیر خود گفته است: «در شش ماه گذشته دادگاه‌های انتظامی فعال شد و در این مدت ۲ هزار پرونده رسیدگی و برای ۲۷۰ سردفتر و دفتر یا حکم انفصال صادر شده و در ۲۳ مورد نیز حکم انفصال اجرا شده است.»

بنابراین انگار صفت دفتر ثبت اسناد هم چندان کم‌تخلف نیستند؛ اما این تخلفات شامل چه چیزهایی می‌شود و چرا اتفاق می‌افتد؟

■ **یک ماده تخلف‌زا!**

در آمد دفاتر ثبت اسناد بالاست؛ برخی از این دفاتر درآمد‌های چند ده یا چند صد میلیونی دارند و البته برخی دفاتر در آمد چندانی ندارند. همین درآمد‌های نجومی هم زیر بنای تخلفات دفاتر ثبت اسناد را موجب شده و برخی از این دفاتر برای ثبت سند به هر تخلفی روی می‌آورند و در این زمینه برخی سازمان‌ها و ادارات هم نم‌گیر شده‌اند.

اما بخش دیگری از تخلفات و انحصار عجیب موجود در دفاتر اسناد رسمی به ماده ۶۹ قانون بازمی‌گردد؛ ماده‌ای که دفتر خانه‌ها را در عمل

سرویس اجتماعی ۹۸۴۹۸۴۰۰

تواری می‌کند!

ماده ۶۹ می‌گوید: «سردفتر شاغل که بازنشسته می‌شود می‌تواند شخص واجد صلاحیت طبق مقررات این قانون را برای تصدی دفتر خانه خود به سازمان ثبت اسناد و املاک کشور معرفی کند. مدت لازم برای معرفی در مورد بازنشستگی الزامی دو ماه قبل از تاریخ بازنشستگی است و در غیر این مورد باید معرفی مزبور ضمن تقاضانامه بازنشستگی به عمل آید. ورثه سردفتر متوفی که حین‌الوقت شاغل بوده است تا شش ماه از تاریخ فوت سردفتر می‌توانند مجتمعاً به ترتیب فوق شخص واحد صلاحیت را معرفی کنند.

در صورتی که سردفتر یا وراث او در مهلت‌های مذکور شخص واجد صلاحیت را معرفی نکنند، سازمان ثبت اسناد و املاک کشور می‌تواند تصدی دفتر خانه را با رعایت مقررات این قانون به شخص واجد شرایط دیگری واگذار نماید.»

■ **خرید و فروش میلیاردي مجوزهای**

اینجا پای مبالغ میلیاردي در میان است؛ این خرید و فروش‌ها خیلی وقت‌ها حالت مزایده‌ای دارد و به بالاترین قیمت پیشنهادی فروخته می‌شود. به این معنا که ممکن است برای دفتر خانه‌ای که ۳ میلیارد تومان قیمت گذاشته شده است مشتری ۳/۵ میلیاردی پیدا شود!



سردفتری

این ماده قانونی در عمل سدی بزرگ در مسیر افرادی است که می‌خواهند به شغل سردفتری وارد شوند. محدود کردن مجوز دفتر خانه‌ها به سازمان ثبت اسناد و املاک کشور جمعیت کشور در دهه‌های آینده از یک سو در مسیر این افراد سنگ می‌اندازد و از سوی دیگر مسیر دیگر ورود به سردفتری با این ماده بسته می‌شود؛ چرا که با مجوز این ماده قانونی ورود به شغل سردفتری در مسیر دلای افتاده است و مجوز دفتر خانه‌ها با مبالغ میلیاردي خرید و فروش می‌شود. یکی از سردفتران درباره مبالغی که برای خرید و فروش مجوز دفتر خانه جابه‌جا می‌شود به «جوان» می‌گوید: «اینجا پای مبالغ میلیاردي در میان است و من خودم در پیگیری‌هایی که داشتم با مبلغ ۳میلیارد تومانی برای فروش مجوز دفتر خانه مواجه شده‌ام. این خرید و فروش‌ها خیلی وقت‌ها حالت مزایده‌ای دارد و به بالاترین قیمت پیشنهادی فروخته می‌شود. به این معنا که ممکن است برای دفتر خانه‌ای که ۳ میلیارد تومان قیمت گذاشته شده است مشتری ۳/۵ میلیاردی پیدا شود!»

■ **پول و رابطه خونی راه ورود به شغل سردفتری!**
بدیهی است قیمت خرید و فروش مجوز دفتر خانه در شهرهای با معاملات بیشتر بالا و بالاتر می‌رود؛ چرا که در این شهرها میزان معاملاتی که سندشان ثبت می‌شود بیشتر و به تبع آن درآمد دفتر خانه هم بیشتر است. با تمام این اوصاف بنا به تأکید این سردفتر در شهری همچون تهران تعداد بسیار کمی مجوز

ماده ۶۹ قانون دفاتر ثبت اسناد، تبعیض گسترده‌ای را در میان متقاضیان این شغل ایجاد می‌کند و آن را در انحصار افرادی درمی‌آورد که یا برای خرید مجوز دفتر خانه پول‌های میلیاردي وایستگان سردفتران فعلی هستند که در دفاتر ثبت اسناد فعالیت دارند. بنابر این روزنه‌های امید برای ورود جامعه تحصیلکرده به شغل سردفتری بسته است

دفتر اسناد رسمی برای فروش وجود دارد و همین مسئله حلقه سردفتران را برای ورود نیروهای تازه‌نفس به این شغل تنگ‌تر می‌کند و جمعیت با عنایت به روند کاهش جمعیت کشور وارد این شغل شوند اغلب توانایی پرداخت ۲-۳ میلیاردي خرید مجوز دفتر خانه را ندارند. این ماجرا موجب می‌شود برخی افراد برای تأسیس دفتر خانه و خرید مجوز آن به دنبال شریک و سرمایه‌گذار بگردند؛ به این صورت که تخصص و مدرک از یکی و سرمایه از دیگری. همین مسئله اما زمینه را برای بروز تخلفات بیشتر و نگاه کاسب‌کارانه به این شغل فراهم‌تر می‌کند و فردی که مجوز سردفتری را با سرمایه‌گذار به‌دست آورده، خیلی وقت‌ها به دنبال این است که هر چه زودتر این مبلغ میلیاردي را به‌دست بیاورد و حسابش را با سرمایه‌گذار تسویه کند؛ بدیهی است این مسئله زمینه‌ساز بخشی از تخلفات در این حوزه است. از سوی دیگر ماده ۶۹ قانون دفاتر ثبت اسناد، تبعیض گسترده‌ای را در میان متقاضیان این شغل ایجاد می‌کند و آن را در انحصار افرادی درمی‌آورد که یا برای خرید مجوز دفتر خانه پول‌های میلیاردي دارند یا فرزند و ورثه و از وابستگان سردفتران فعلی هستند که در دفاتر ثبت اسناد فعالیت دارند. بنابر این تمام روزنه‌های امید برای ورود جامعه تحصیلکرده به شغل سردفتری بسته است. البته فردی که سردفتری را به ارث می‌برد یا از سویی ورثه به عنوان جانشین سردفتر قبلی معرفی می‌شود باید در رشته حقوق یا فقه و مبانی حقوق تحصیلکرده باشد و لااقل فارغ‌التحصیل مقطع کارشناسی این رشته‌ها باشد اما وقتی پای درد دل افراد متقاضی سردفتری می‌نشینید متوجه می‌شوید که در گزینش افرادی که از این طریق بناس‌ت سردفتر شوند یا امتیاز را خرید‌اند با گزینش کسانی که از طریق آزمون بناس‌ت تا وارد این کار شوند تفاوت قابل‌تأملی وجود دارد. پذیرش افراد مشمول ماده ۶۹ از ماده ۳ که پذیرش از طریق آزمون است اغلب آسان‌تر صورت می‌گیرد.

۹۸۰۲ شماره ۹۸۰۲

■ **برگزاری آزمون پرباهم بعد از ۱۱ سال تعطیلی**
اما ماجرای آزمون سردفتری هم خودش حکایتی شنیدنی دارد. آزمون سردفتری گویا بر مبنای تصمیم و سلیقه مسئولان سازمان ثبت بر گزار می‌شود و چندان قاعده و ضابطه‌ای ندارد. بعد از سال ۸۶ که آخرین آزمون برگزار می‌شود تا سال ۹۷ دیگر آزمون‌ای برای سردفتری برگزار نمی‌شود و آزمون سردفتری سال ۹۷ هم بااگر و اماه‌ای زیادی بر گزار شده و بسیاری از شرکت‌کنندگان در این آزمون نسبت به شیوه برگزاری، برگزار کننده و شیوه جذب پذیرفته‌شدگان اعتراض داشتند اما این اعتراض به جایی نمی‌رسد.

از مهم‌ترین نکات مبهم این آزمون برگزاری آزمون توسط شرکتی خصوصی است در حالی که آزمون‌ها با حساسیت آزمون سردفتری و با عنایت به اینکه این آزمون ۱۱ سال برگزار نشده بود و با وجود چنین درآمدهایی، کانون سردفتران به برگزاری آن بودند باید سازمان بی‌طرفی همچون سازمان سنجش متولی برگزاری آن می‌شد. از نکات جالب این آزمون در نظر گرفتن سهمیه دو نفری برای کلاشنه‌ری همچون تهران است؛ آن هم بعد از ۱۱ سال برگزار نشدن آزمون! بهانه این تعداد جذب هم اشباع بودن کلاشنه‌رها بود. این در حالی است که در کلاشنه‌رها هم تعداد جمعیت بیشتر است و هم درآمد‌ها به گونه‌ای که متوسط درآمد دفاتر ثبت اسناد در تهران چیزی حدود ۵۰ تا ۵۰۰ میلیون تومان است. اگر چه هستند افرادی که درآمدهای چند صد میلیونی هم دارند و با وجود چنین درآمدهایی، کانون سردفتران به دنبال افزایش هزینه‌های حق‌التحریر هستند و از این راهکار می‌خواهند بر سر راه افزایش تعداد دفاتر ثبت اسناد سدی تازه در قهر دتا مبادا این انحصار از دستشان خارج نشود. از سوی دیگر با افزایش تعرفه حق‌التحریر دفتر خانه‌هایی سود می‌زنند که همین حالا هم درآمدهای نجومی دارند و این مسئله فاصله طبقاتی میان دفتر خانه‌ها را بیشتر و بیشتر می‌کند. به همین خاطر هم در جمع سردفتران کم‌نیستند افرادی که با افزایش تعرفه‌ها مخالفند.

■ **نشستن در خانه و کسب در آمد قانونی!**
ماده ۴۷ قانون دفاتر اسناد رسمی هم در نوع خودش جالب است. طبق این قانون دفتر خانه سردفتری که تخلف داشته و به موجب این تخلف علیه خود با حکم انفصال موقت گرفته است به صورت کفالت اداره می‌شود و درآمد دفتر خانه پس از وضع هزینه بین کفیل و سردفتر معلق یا منفصل باسویی تقسیم خواهد شد. طبق این بند قانونی یعنی فردی که بناس‌ت مجازات شود، درآمد دفتر خانه می‌نشیند و درآمدش را هم داشته باشد! حالا اما البته ظاهراً شورای مقررات‌زدایی وزارت اقتصاد و همچنین شورای رقابت به این موضوع ورود کرده و برای اصلاح قوانین ورود به سردفتری را در دستور کار دارد. حالا باید دید با عزمی که رئیس قوه قضائیه در مبارزه با فساد و انحصار گرای‌ها دارد ماجرای انحصار در شغل دفتر خانه‌ها به کجا می‌رسد.

چالش‌های حقوقی نفرت پراکنی اینترنتی در دنیا



ندارد. علاقه مشترک به جلوگیری از خشونت و حفظ کرامت انسانی نقطه مشترک تلاش‌ها برای مواجهه با نفرت پراکنی اینترنتی است.

نفرت پراکنی در شبکه پیچیده‌ای به همراه آزادی بیان، حقوق فردی و گروهی و حقوق اقلیت‌ها و مفاهیم کرامت آزادی و برابری قرار دارد. تعریف گسترده نفرت پراکنی اینترنتی، سخنانی در تحریک به آسیب رساندن، تبعیض خصومت یا خشونت به فرد یا گروه اجتماعی یا جمعیتی خاص و حتی توهین به کسانی که در مسند قدرت هستند. بیان اظهارات تحقیرآمیز درباره افراد مشهور از دیگر ابعاد این نفرت پراکنی است. همچنین در مواقع حساس مانند

■ **چالش‌های قانونی نفرت پراکنی اینترنتی**

نفرت پراکنی اینترنتی اقدامات قانونی تشریح شده برای رسانه‌های دیگر را غیرمؤثر یا نامناسب می‌کند و رویکردهایی که ماهیت خاص تعاملات با فناوری‌های ارتباطات و اطلاع‌رسانی دیجیتال را ایجاب می‌کند. پیام تویتری توأم با خشم به تهدیدی واقعی و تلاشی نظام‌مند برای ایجاد نفرت خلط شود. دولت‌ها و دادگاه‌ها برای اعمال قانون علیه بستر شبکه اجتماعی اینترنتی که پایگاه آن در کشوری دیگر باشد با پیچیدگی‌هایی مواجه شوند، همانگونه که ما در برخورد با تخلفاتی که در بستر این شبکه‌ها صورت می‌گرفت دچار چالش‌هایی شدیم. نفرت پراکنی اینترنتی چالش‌های عجیبی دارد که خاص محتوای اینترنت و مقررات ناظر بر آن است.

■ **قوانین بین‌المللی ناظر بر نفرت پراکنی اینترنتی**
هر چند نفرت پراکنی اینترنتی به صورت مستقیم در هیچ‌یک از قوانین و میثاق‌های بین‌المللی مورد اشاره قرار نگرفته اما می‌توان از برخی از این قوانین استاندارد‌های بین‌المللی برای آن بیرون کشید.

به طور مثال کنوانسیون حذف همه اشکال تبعیض نژادی نفرت پراکنی نژادی مردود دانسته می‌شود. همچنین سخنان نفرت‌افکنانه درباره ملیت یا دین بر اساس ماده بیستم میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی جرم با سه شرط ۱- مصداق ترویج و حمایت ۲- متضمن تحریک افراد و ۳- حاوی تبعیض خشونت یا خصومت مورد تأکید قرار گرفته است. نفرت پراکنی مبتنی بر جنسیت هم از نظر میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ماده ۱۹ به خاطر احترام به حقوق دیگران باید محدود شود.

اما این موضوع موجب مناقشه‌ای پیچیده بین گروه‌های مختلف در یک جامعه و در بین جوامع مختلف شده است. درواقع توازن پیچیده‌ای بین اصول و حقوق اساسی از جمله آزادی بیان و دفاع از کرامت انسانی وجود دارد.

نفرت پراکنی اینترنتی تعریفی جهانشمول ندارد و تعریف

فرصت‌های استفاده از اینترنت و فضای مجازی خیلی وقت‌ها چالش‌های ناشی از آن را پوشش می‌دهد. با وجود این برخی چالش‌های فضای مجازی ابعاد جهانی یافته‌اند و در سطوح گسترده‌ای موجب اختلالاتی را ایجاد نموده‌اند. یکی از این چالش‌ها «نفرت پراکنی اینترنتی» است؛ موضوعی که حتی در دنیای غرب و مجامع بین‌المللی هم جریان آزاد اطلاعات را به چالش کشیده است. کشور ما هم به دلیل ضرب نفوذ بالای اینترنت جهانی از نفرت پراکنی اینترنتی در امان نمانده است. سابقه بهره‌گیری از فیس‌بوک در فتنه سال ۸۸ و همچنین به اغتشاش کشاندن اعتراضات مردمی در سال ۹۶ و هدایت این اغتشاشات از طریق شبکه تلگرام موجب شد تا این بار شورای عالی امنیت برای مقابله با نفرت پراکنی اینترنتی اتصال به شبکه جهانی اینترنت را قطع کنند، اما موضوع نفرت پراکنی اینترنتی به عنوان یکی از مصدایق حقوقی در دنیای امروز مطرح است

و حتی در کشورهای مدعی آزادی بیان، مرز میان این آزادی و حقوق فردی و اجتماعی را به چالش کشیده است. همین مسئله اجتماعی جهانی را در برابر موضوع نفرت پراکنی اینترنتی موجب شده است.

شیوع نفرت پراکنی اینترنتی در گزارش گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل درباره مسائل اقلیت‌ها سال ۲۰۱۵ مورد توجه قرار گرفته است. نفرت پراکنی اینترنتی آثار مشخصی ندارد اما نشانه‌هایی بیابگر شیوع فزاینده و توجه بی‌سابقه به این موضوع است.

پایگاه‌های نفرت پراکنی (hate base) جمع‌آوری موارد به کارگرفته‌شده برای نفرت پراکنی را در سراسر جهان مورد بررسی قرار داده است. اکثر موارد این مسئله بر اساس قومیت و ملیت است اما تحریک به اقدامات نفرت‌انگیز با تمرکز بر دین و طبقات اجتماعی هم در حال افزایش است.

حیات نفرت پراکنی اینترنتی به عنوان تنش‌هایی است که عاملان آن تلاش می‌کنند آن را بازتولید و تقویت کنند؛ عامل وحدت و عامل تفرقه با ایجاد گفت‌و «ما» در مقابل «آنها» ایجاد می‌شود. نفرت پراکنی اینترنتی در کشورهایی با میزان ارتباطات اینترنتی بالاتر، جدی‌تر است

■ **چالش دولت‌ها برای اعمال قوانین ملی در فضای مجازی**
دولت‌ها برای اعمال قوانین ملی در دنیای مجازی به دلیل گسترده‌گی و پراکندگی اینترنت با چالش‌های جدی مواجهند. فضا‌های خصوصی برای بیان دیدگاه‌هایی که کارکرد عمومی دارد مثل فیس‌بوک و تویتبر به راحتی در دسترس است و همین موجب چالش قانونگذاران شده است. برخی از مالکان این فضا‌ها با وجود مقاومت اولیه و فشارهای عمومی رویکرد کنش‌گرانه‌تری اتخاذ کرده‌اند.

بخش اعظم توجه بر شناسایی و پاسخگویی بر دولت‌ها متمرکز است در حالی که واسطه‌های اینترنتی و شرکت‌های واسط ارتباطات اینترنتی نقشی فزاینده در این مورد دارند. این شرکت‌ها بر اساس خدمات قواعد خودشان را دارند و بر مبنای گزارش کاربران تصمیم می‌گیرند! از سوی دیگر اصل غیرمسئولی بودن مطالب می‌تواند سبب کاهش پاسخگویی و شفافیت برای دولت‌ها و بخش خصوصی شود.

اصولی که جوامع مختلف بر اساس آن شکل می‌گیرند متفاوت است به همین خاطر هم واکنش‌ها به نفرت پراکنی اینترنتی به عنوان یک سؤال برنده اصول در جوامع مختلف متفاوت است.

توازن بین آزادی بیان و احترام به برابری و کرامت، شکاف‌ها و اختلاف‌های منحصربه‌فردی در سطح بین‌المللی به‌وجود آورده است. در چنین فضایی اما وقتی امنیت کشور به‌واسطه نفرت پراکنی اینترنتی مورد تهدید قرار بگیرد شاید منطقی‌ترین تصمیم صرف‌نظر از ارائه خدمات بر بستر اینترنت جهانی باشد. به‌خصوص وقتی زمینه ارائه خدمت بر بستر اینترنت ملی فراهم است. تجربه چنین تصمیماتی حتی در کشورهای دیگر هم وجود دارد.

۱۰ سال پیش، لایحه‌ای در سنای آمریکا توسط سناتور‌ها جان راکفلر و المپیا اسنو ارائه شد که این امکان را برای دولت ایالات متحده فراهم می‌کرد تا یک «سونیچ قتل اینترنت» دست پا کند که این امکان را فراهم می‌آورد تا در شرایط اضطراری اینترنت سراسری آمریکا قطع شود. مصر هم در سال ۲۰۱۱ اینترنت خود را قطع کرد. سودان و اتیوپی نیز در تابستان سال جاری در موارد مشابه اینترنت سراسری را قطع کردند. یکی دو سال پیش هم تهدید ترامپ برای قطع اینترنت ایران رسانه‌های شد. با این اوصاف شاید تقویت شبکه ملی اطلاعات برای ارائه یک اینترنت تسریع، امن و ارزان بهترین راهکاری است که می‌توان برای مواجهه با چالش‌های اینترنت از جمله نفرت پراکنی از آن بهره گرفت.